

## متن پرسش

سلام و عرض ارادت: اول و آخرش التماس دعا دارم، التماس! گاهی که مخصوصاً با بچه‌ها بد اخلاقی می‌کنم و کم صبرم و تندخو؛ به من می‌گویند این کار را نکن چون در خاطره‌شان می‌ماند؛ راست می‌گویند، مثل اخلاقها و فریادهای تلخی که گاهی از بعضی آدمها سر می‌زد و لحظات شیرین کودکی خودم را تلخ می‌کرد و هنوز یادم مانده و اثراتش را بر من گذاشته. بخدا من واقعا دلم نمی‌خواهد بد اخلاق باشم ولی در واقع سالهاست که همینطور هستم. از خودم متنفرم؛ نه اینکه تنها از اخلاقهایم متنفر باشم بلکه دیگر طوری شده که از خودم متنفر شده‌ام. کسی که دل سفید بچه‌ای را تلخ کند و اشکش را در بیاورد یا خاطر مومنی را آیا مستوجب لعن نمی‌شود؟ شاید کمتر چیزی بیشتر از بد اخلاقی در عالم اینقدر زشت باشد. یک وجود خشک و خشن برای خودم درست کرده‌ام. نمی‌دانم با چه شکلی محسوس خواهم شد؛ چقدر زشت و دست و پاگیر برای خودم! بخدا اگر مجاز بودیم می‌دادم همینهایی که اینقدر دلشان را ناراحت کردم مرا می‌کشتند، خاکسترم را هم به باد می‌دادند تا هیچ اثری از من برایشان نماند. به نظرم بد اخلاقی و توحید و ایمان اصلاً و هرگز نمی‌شود که با هم یکجا باشند و من کافر نیستم بله، ولی در جبهه‌ی خدا هم مسلماً نیستم. شما را به خدا قسم می‌دهم و خدا را به حرمت شماها که یک راه اساسی و یکباره نشانم بدهید تا از این دیو آدمخوار راحتم کند. که با این وضع نه عاقبت بخیری دنیایی دارم و نه قیامتی دارم و نه حال خوشی دارم و نه همنشینی که شوق مرا داشته باشد. خودتان ببینید چند بار است که از شر خودم می‌گویم و دوباره همانم که نباید باشم. یعنی حالا دو تا رنج و زجر با هم به جانم حمله کرده: هم اخلاقهای زشت و بدم و هم تکرارهای زجرآور. مردم به خدا بد اخلاقی خیلی قیامتتان را سیاه می‌کند. من دارم از درد تاریکی می‌میرم.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پیشنهاد می‌شود مطالب کتاب شرح حدیث «جنود عقل و جهل» که حضرت امام تدوین فرموده‌اند و بنده نیز عرایضی در شرح آن داشته‌ام را دنبال فرمایید. موفق باشید